

بررسی روابط خارجی ایران و قطر پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۹۷۹-۲۰۰۵)

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1399.27.1.3.5

مهدیه حیدری*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

چکیده

این پژوهش درصدد یافتن عواملی است که بر روابط ایران و قطر پس از پیروزی انقلاب اسلامی سایه انداخته است. لذا سوال اصلی پژوهش این است که چه عواملی بر بسط و قبض تعاملات دوجانبه ایران و قطر پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۹۷۹ تا ۲۰۰۵) تاثیرگذار بوده است؟ پاسخ موقتی پژوهش این است که، اصول و اهداف سیاست خارجی متفاوت ایران و قطر و عوامل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، توسعه و تحدید تعاملات و روابط دوجانبه این دو دولت را در این مقطع زمانی رقم زده‌اند. یافته‌های پژوهش بر این مبناست که روابط دو دولت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، متاسی از وقوع جنگ ایران و عراق، صدور انقلاب اسلامی و تصور تهدید دولت قطر از اشاعه انقلاب اسلامی و نیز برداشت متعارض دو کشور از امنیت منطقه‌ای و همچنین برداشت یک‌جانبه قطر از میدان‌گازی پارس جنوبی نیز عوامل حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه و همچنین سیاست تنش‌زدایانه ایران و تغییر هیات حاکمه در قطر بوده است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، ایران، قطر، روابط خارجی، خاورمیانه.

مقدمه

مناسبات میان جمهوری اسلامی ایران و قطر دارای سابقه طولانی نمی‌باشد. قطر در سال ۱۹۷۱ به استقلال رسید و خانواده آل ثانی در این سرزمین صاحب قدرت گردیدند. ج.ا.ایران از اولین کشورهایی است که پس از استقلال قطر اقدام به شناسایی آن کشور نمود. روابط ایران و قطر قبل از انقلاب اسلامی به دلیل اینکه ایران در منطقه خلیج فارس به عنوان قدرت برتر مطرح بود و مناسبات در این منطقه از بالا به پایین جریان داشت، روابط بسیار دوستانه‌ای بین دو کشور برقرار بود. عواملی چند در برقراری این رابطه دوستانه موثر بود؛ مثل همسایگی، اسلام به منزله دین مشترک، کشف نفت در قطر در دهه ۴۰ میلادی و نیاز شدید به نیروی کار مهاجر.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امیر قطر ضمن ارسال پیام تبریک به دولت و ملت ایران خواهان گسترش روابط بین دو کشور شد. کشور قطر که نسبت به سایر کشورهای منطقه کمتر تحت تاثیر انقلاب اسلامی قرار گرفته بود، دلیلی برای سردی روابط خود با ایران نمی‌دید. تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران با عراق و عربستان سعودی موجب شد که به طور غیرمستقیم در روابط قطر با ایران تاثیر بگذارد.

پس از قبول قطعنامه صلح ۵۹۸ توسط ایران، روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی شد و مجدداً مبادله سفیر آغاز گشت. حمله عراق به کویت نیز موجب گرم‌تر شدن روابط و مناسبات کشورهای منطقه از جمله قطر با ایران گردید.

روابط ج.ا.ایران با کشور قطر به عنوان یک کشوری که در منطقه استراتژیک و حساس خلیج فارس واقع شده و نیز کشوری که عضو شورای همکاری خلیج فارس و اوپک است و بالاخره اینکه از دارندگان اصلی ذخایر گازی بزرگ در جهان است از اهمیت به سزایی برخوردار می‌باشد. به همین دلیل این پژوهش درصدد یافتن عواملی است که بر روابط کشور ایران و قطر پس از پیروزی انقلاب اسلامی سایه انداخته که گاهی موجب رشد تعاملات و روابط دوستانه و گاهی نیز موجب سردی روابط دو کشور شده است. پرداختن به سیاست تنش‌زدایی جمهوری اسلامی ایران و مسئله ذخایر

گازی مشترک، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تغییر هیات حاکمه در قطر، صدور انقلاب اسلامی ایران، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و نیز دیدگاه متعارض دو کشور در مورد امنیت منطقه‌ای، از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر روابط جمهوری اسلامی ایران و قطر پس از پیروزی انقلاب اسلامی هستند.

پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع خاص روابط ایران و قطر چه از بعد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و غیره تا کنون پژوهشی جدی صورت نگرفته و شاید به نظر برسد که علت اصلی آن هم کوچک بودن کشور قطر است که در حقیقت با کشف گاز در میدان شمالی آن یعنی (پارس جنوبی ایران) یک شبه تبدیل به یکی از مهمترین و اثرگذارترین کشورهای حوزه خلیج فارس در زمینه انرژی شده و توجه بسیاری از صاحب نظران را به خود جلب کرده و مقالات بسیاری در رابطه با آن نگاشته شده است. از جمله کتب فارسی، کتاب احمد فرامرزی با عنوان «قطر» است که توصیف این کشور از ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روابط خارجی آن است. این کتاب با ارایه دادن اطلاعات بسیار خوب و مفید در مورد کشور قطر به تحلیل روابط آن با ایران نپرداخته است و کتاب انگلیسی آنتونی کوردزمن که هم تحلیل و هم توصیف کشورهای حوزه خلیج فارس است. در این کتاب نویسنده، ایران را یکی از تهدیدهای بالقوه و نگرانی‌های جدی قطر معرفی می‌کند و همین عامل را یکی از عوامل برقراری روابط قطر با قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌داند. در این کتاب نویسنده ذکر نکرده که به چه علت ایران از تهدیدهای بالقوه برای قطر است و عوامل موثر بر توسعه روابط این دو کشور کدامند. همچنین کتاب «نفت و سیاست در خلیج فارس حکومت‌گران و بازرگانان در کویت و قطر» از جیل کریستال. که در آن نویسنده به تحلیل عوامل داخلی به‌ویژه نفت بر روی سیاست خارجی دو کشور پرداخته و از تحلیل سایر عوامل دیگر نظیر عوامل فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای تاثیرگذار بر روی سیاست خارجی این دو کشور خودداری کرده است.

یک. اصول و اهداف سیاست خارجی ایران و قطر

۱-۱. استراتژی‌های رایج در سیاست خارجی

سیاست خارجی کشورها تحت تاثیر دو عامل عمده شکل می‌گیرد که عبارتند از: الف) محیط ذهنی که همان ارزش‌ها و تصورات سیاستگذاران است؛ ب) محیط عینی که خود شامل دو بخش محیط داخلی (شرایط داخلی کشور) و محیط بین‌المللی (محیط منطقه‌ای و محیط جهانی) است. ارزش‌ها، تصورات و نگرانی‌های ملی سیاستگذاران بر آنچه که انجام دادنش برای آنان مطلوب است تاثیر می‌گذارد؛ اما محیط (داخلی، منطقه‌ای و جهانی) تعیین‌کننده آن چیزی است که دولت‌ها قادر به انجام آن هستند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۳: ۸).

دولت‌ها به تبع نیازهای داخلی، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی و نیز تحت تاثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌المللی، جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های خاص را به منظور تامین هدف‌ها و منافع ملی خویش برمی‌گزینند. از آنجا که سیاست بین‌الملل در محیطی پویا مطرح می‌شود و عوامل دگرگونی از هر سویی سر برمی‌آورد، نباید انتظار داشت که ساختار سیاست خارجی و جهت‌گیری‌های دولت‌ها همواره بدون تغییر باقی بماند، آنچه مسلم است، گاه این دگرگونی‌ها، آهسته و تدریجی و زمانی سریع و زیربنایی است (قوام، ۱۳۷۹: ۲۷۵). مهمترین استراتژی‌های دولت‌ها عبارتند از: بی‌طرفی، انزوای طلبی، اتحاد، ائتلاف و عدم تعهد هستند.

۱-۲. استراتژی ایران

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی آنچه در دستور کار سیاست خارجی بود پیاده کردن اهداف و برنامه‌های دولت در زمینه‌های داخلی و خارجی در چارچوب احکام اسلامی است. از این‌رو همان‌گونه که در آن نظام اسلامی، نظامی متمایز از غرب و شرق بوده، سیاست خارجی آن از بلوک غرب که در راس آن آمریکا قرار داشت و همچنین سیاست خارجی شرق که در راس آن شوروی سابق قرار داشت نیز متمایز بود.

بدین منظور نظام اسلامی یک نظام متعادل و بدون افراط و تفریط در نظر گرفته شده است

که برنامه و اهداف سیاست شرق و غرب را مردود می‌دانست؛ بنابراین همه برنامه‌های سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی تحت‌الشعاع این نکته بود که شیوه راهبردی سیاست خارجی نظام اسلامی با سلطه‌گری و سلطه‌جویی چنین سلطه‌پذیری‌هایی که هر دوی آنها، دو روی یک سکه بودند، همخوانی ندارند. از این جهت این اصل در ابتدا به‌صورت یک شعار و سپس به‌عنوان یک سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی مطرح گردید (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۴۵).

در حال حاضر علی‌رغم تحولات زیادی که در قطب‌بندی و مناسبات قدرت پس از فروپاشی اتحاد شوروی به‌وجود آمده این استراتژی نصب‌العین سیاست خارجی و وزارت امور خارجه کشورمان است.

۳-۱. مبانی استراتژی ایران

سیاست خارجی ج.ا.ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحارب است. از این اصل به‌خوبی می‌توان مفهوم کلی استراتژی ج.ا.ایران را در هر زمینه و در هر زمان شناخت و آن را به‌عنوان معیاری برای تنظیم روابط خارجی و سیاست خارجی مطرح کرد. پس از بیان استراتژی سیاست خارجی و سیاست خارجی ج.ا.ایران، می‌توان هماهنگ نبودن استراتژی‌های سیاست خارجی را با خیلی از زمینه‌های سیاست خارجی ج.ا.ایران که مبانی فقهی و اسلامی دارد، مشخص کرد؛ برای مثال استراتژی انزواطلبی و حفظ وضع موجود با اهداف کلی نظام اسلامی و مسئولیت فراملی اسلامی در برابر مسلمانان و محرومان و مستضعفان انطباق ندارد. همچنین اصل ۱۵۲ قانون اساسی نیز نظام اسلامی را برداشتن روابط صلح‌آمیز با جهان خارج در چارچوب احترام متقابل فرا می‌خواند. از طرف دیگر، استراتژی اتحاد و ائتلاف هم در صورتی که منطبق با خوب شدن و هماهنگی با اردوگاه شرق و غرب یعنی ابرقدرت‌ها باشد، با مفهوم نظام اسلامی هماهنگی ندارد؛ ولی در صورتی که به‌معنای ائتلاف و اتحاد با کشورهای اسلامی باشد می‌تواند زمینه مناسبی برای پیاده نمودن اهداف کلی نظام اسلامی

باشد، همان گونه که در قانون اساسی به آن اشاره شده است.

دو. اصول و اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران

۱-۲. اصول سیاست خارجی ایران

اصول سیاست خارجی ایران، علاوه بر اهداف عام همگان مانند حفظ استقلال، تمامیت ارضی، امنیت، صلح و آرامش و... شامل اهداف دیگری به قرار ذیل است:

۱- تلاش در حمایت برقراری حکومت جهانی اسلام؛

۲- حمایت از مستضعفین و نهضت‌های آزادیبخش؛

۳- نفی سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی و اعمال سیاست نه شرقی و نه غربی.

در پیش‌نویس قانون اساسی تهیه شده توسط معاونت طرح‌های انقلاب دولت موقت مهندس بازرگانی ترکیب دو مقوله مورد بحث «ملی» و «اسلامی» فقط در یک اصل آن هم نه تحت عنوان سیاست خارجی بلکه ضمن اصول کلی، مورد توجه قرار گرفته است. در اصل ۷ پیش‌نویس یاد شده، در فصل «اصول کلی» چنین آمده است: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و رسیدن به استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت سلطه‌جویان در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین علیه مستکبرین در هر نقطه جهان حمایت می‌کند (محمدی، ۱۳۸۰: ۳۶).

روح‌الله رمضانی در فرمول‌بندی سیاست خارجی ایران به ۷ بند یا اصل اشاره می‌کند: ۱- عدم وابستگی به شرق و غرب؛ ۲- آمریکا در راس دشمنان خارجی؛ ۳- مبارزه علیه ابرقدرت‌ها و قدرت صهیونیسم؛ ۴- حمایت از مسلمانان تحت ستم در سراسر دنیا؛ ۷- اصل آزادی قدس شریف ضدیت با امپریالیسم جهانی حمایت از مستضعفان و یا توده‌های تحت ستم (Ramazani,

۲-۲. اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران

در مورد اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران، نظریات متفاوتی بر حسب استنباط‌های نظریه پردازان و اندیشمندان وجود دارد. پاره‌ای از نظریات بر اندیشه‌های برون مرزی و فراملی بنیانگذاری شده و در نتیجه ابعاد جهانی اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران را مطرح می‌نماید و پاره‌ای دیگر برعکس تکیه بر ابعاد درون مرزی و ملی داشته و سعی دارند هدف نهایی را بر مسایل ملی منعطف نمایند. عده‌ای نیز طبق معمول، راه رسم میانه و اعتدال در تحلیل برگزیده و سعی می‌نمایند که از افراط و تفریط در این زمینه بپرهیزند. از این رو بر اساس نظریات، تقسیم‌بندی‌هایی نیز انجام شده است که می‌توان آن را به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد. اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دو مقوله خارج نسبت: الف) صدور انقلاب؛ ب) تامین نیازمندی‌های داخلی ام‌القرا (رفع احتیاجات ایران) (Behrooz, 1990: 151). در یک تقسیم‌بندی دیگر می‌توان اهداف سیاست خارجی ج.ا.ایران را چنین ترسیم کرد: ۱) برقراری روابط با سایر کشورها؛ ۲) توسعه روابط با سایر کشورها؛ ۳) تحکیم روابط با سایر کشورها؛ ۴) ایجاد وحدت بین ملت‌های مسلمان؛ ۵) حفظ استقلال و تمامیت ارضی و تبلیغ اسلام و افشای ماهیت استکبار جهانی؛ ۶) دفاع از سرزمین‌ها و منافع ملی مسلمانان.

سه. مبانی و اصول سیاست خارجی قطر

مبانی و اصول سیاست خارجی قطر عبارتند از:

- ۱- قانون اساسی قطر می‌گوید که هدف سیاست خارجی این کشور تحکیم پیوندهای دوستی با کشورهای مسلمان و کلیه کشورهای صلح دوست و مردم جهان است؛
- ۲- اعتقادات اسلامی از معیارهای سیاست خارجی این کشور در سطوح عربی و اسلامی است و بین‌المللی است؛

- ۳- همبستگی عربی اصل دیگر سیاست خارجی قطر است و این کشور بر همین اساس در ۶۹

۱۱ سپتامبر ۱۹۷۱ با عنوان یک کشور مستقل رسماً به اتحادیه عرب پیوست؛

۴- تعهد و هماهنگی با سیاست‌ها و هدف‌های شورای همکاری خلیج فارس یکی دیگر از اصول سیاست خارجی قطر است. این کشور در ۲۵ ماه می ۱۹۸۱ به همراه سایر شیخ‌نشین‌های عربی حوزه خلیج فارس در تشکیل شورای همکاری خلیج فارس شرکت جست؛

۵- قطر بر اساس تعهد به اصول منشور سازمان ملل مسیری را در صحنه بین‌المللی انتخاب کرده که اهداف اعلام شده آن شامل تایید حق تعیین سرنوشت ملت‌ها، تشویق به همکاری جهت بهبود جامعه بشری، گسترش صلح و ثبات در جهان از طریق حل اختلافات از راه حل‌های مسالمت‌آمیز و ایجاد روابط مبتنی بر عدالت و برابر قانون بین‌المللی باشد. در ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۱، شورای امنیت ورود قطر را به سازمان ملل اعلام داشت و در ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۱، مجمع عمومی نیز قطر را به‌عنوان یک عضو پذیرفت (فرامرزی، ۱۳۸۱: ۱۲۶-۱۲۵)؛

۶- در دهه ۷۰ میلادی سیاست قطر در منطقه خلیج فارس حفظ روابط با قدرت‌های اصلی منطقه یعنی ایران و عربستان بود؛

۷- حفظ روابط سنتی با انگلیس نیز از دیگر اصول پذیرفته شده در سیاست خارجی قطر در دهه ۷۰ م بود و با توجه به مستشاران انگلیسی در دستگاه‌های سیاسی و امنیتی قطر این کشور معمولاً در رابطه با اقدامات و تحرکات جهانی و منطقه‌ای انگلیس از خود واکنش نشان نداده و یا بعضاً اقدام به اتخاذ سیاست موافق با انگلیس می‌نموده است.

به‌طور کلی می‌توان گفت که قطر در دهه ۷۰، سیاست خارجی فعالی نداشته و از آن در این دوره به‌عنوان کشوری میانه‌رو، بی‌طرف و یا بی‌علاقه به مسایل مهم تلقی می‌شود. تنها فراز مهم این دوره از سیاست خارجی قطر مخالفت آن با موافقت خانه‌های کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹ بود (فرامرزی، ۱۳۸۱: ۱۲۶-۱۲۵). سیاست خارجی قطر در دهه ۸۰ میلادی شاهد تحولات مهم و پی‌درپی بود. این امر تا حدودی ناشی از روی کار آمدن طراحان و دست‌اندرکاران جدیدی در سیاست خارجی این کشور تا حدودی تحولات نظامی، سیاسی و

اقتصادی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بود و در سال ۱۹۸۲ اقدام به یک موافقتنامه دفاعی دوجانبه با عربستان کرد. حفظ توازن و آمادگی جهت مقابله سیاسی دیپلماتیک و یا حتی نظامی با بحران موجود در روابط با بحرین بر سر جزایر حوار یکی از اصول ثابت سیاست خارجی قطر بوده است.

چهار. پیشینه روابط خارجی ایران و قطر قبل از انقلاب اسلامی

کشور قطر در سال ۱۹۷۱، استقلال خود را اعلام کرد و دولت وقت ایران از پیشگامان شناسایی قطر بود و این شناسایی در ۲۴ مهر ۲۵۲۸ (۱۶ اکتبر ۱۹۷۱) تحقق پذیرفت و متن اعلامیه، برقرار روابط سیاسی در سطح نظارت بین دو کشور در تهران و روم منتشر شد.

دولت پهلوی با اعتقاد به اینکه توسعه همکاری‌های فیما بین در راه به‌ثمر رسانیدن کوشش‌هایی که در جهت بهبود و توسعه اوضاع اجتماعی و اقتصادی در هر دو طرف می‌شود موثر خواهد بود، همواره سعی کرده است که نه‌تنها توسعه مبادلات بازرگانی و روابط اجتماعی و فرهنگی را تشویق نماید؛ بلکه تا حد امکان نسبت به رفع نیازمندی‌های گوناگون مردم و دولت اهتمام ورزیده است (کتاب روابط دولت شاهنشاهی ایران با کشورهای حوزه مسئولیت، ۱۳۵۵: ۴۴). به‌طور کلی روابط سیاسی ایران و قطر در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی دوستانه و بر اساس مودت و احترام متقابل استوار بوده است.

قبل از انقلاب اسلامی طی سالیان طولانی به‌خاطر همسایگی و مشترکات دینی و روابط دوستانه، مبادلات بازرگانی، رفت و آمدهای مستمر بین دو کشور برقرار بوده است؛ به‌نحوی که بخشی از اقتصاد و تجارت قطر توسط ایرانیان مقیم آن کشور اداره می‌شد. به موازات برقراری و گسترش ارتباطات بازرگانی بین اهالی جنوب ایران و مردم قطر و به‌تبع آن افزایش رفت و آمدهای آنان به دو کشور، روابط فرهنگی بین ایران و قطر نیز ادامه یافت. در این راستا بسیاری از اتباع قطر ترجیح می‌دادند که تعطیلات خود را صرف زیارت اماکن مقدسه ایران و یا مسافرت

به شهرها و اماکن دیدنی کشورمان نمایند. در چارچوب این روابط و توافقات انجام شده ایران اقدام به آموزش اتباع قطری در زمینه‌های مختلف نمود. پس از تأسیس مدارس ایرانی در قطر در سال ۱۳۵۱ سرپرستی مدارس ایرانی در قطر نیز آغاز بکار نمود. در تاریخ سوم مرداد ۱۳۵۲، تعداد ۳۰ نفر از دانشجویان قطری برای انجام مسابقات فوتبال به اصفهان آمدند. تیم ملی فوتبال ایران نیز در بهمن ۱۳۵۳ جهت انجام مسابقه با تیم ملی فوتبال قطر عازم این کشور شد (فرامرزی، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

روابط ایران و قطر پس از پیروزی انقلاب اسلامی

وقوع انقلاب اسلام و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، تغییر و تحولات را در روابط ایران و قطر به وجود آورد. این تغییر و تحولات نه تنها شامل روابط دو کشور ایران و قطر بلکه تغییر و تحولات گسترده‌ای را هم در کل منطقه در پی داشت و جمهوری اسلامی ایران از یک کشور دوست برای کشورهای کوچک در حوزه خلیج فارس تبدیل به یک کشور توسعه طلب و انقلابی شد. با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز بر تغییرات موجود افزوده شد و روابط ایران و قطر تحت تاثیر معادلات جدید منطقه قرار گرفت.

پنج. عوامل موثر بر تیرگی روابط ایران و قطر پس انقلاب اسلامی

۵-۱. تاثیر انقلاب اسلامی بر روابط ج.ا.ایران و قطر

به لحاظ اهمیتی که حفظ ثبات و امنیت ایران برای قطر داشت و به دلیل وجود روابط تاریخی میان دو کشور در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مطبوعات قطر به محکوم کردن رژیم گذشته پرداختند و مقامات و مردم آن کشور مسایل مربوط به ایران را با علاقه و جدیت دنبال می کردند. امیر قطر نیز پیام تبریکی خطاب به مقام معظم رهبری حضرت امام خمینی (ره) ارسال و برای دولت و ملت مسلمان و برادر ساعات و پیشرفت آرزو نمود (علوی، ۱۳۷۴: ۹۵).

تبلیغات محافل رسانه‌ای غربی مبنی بر خطر صدور انقلاب گسترش دامنه جنگ و اینکه ایران تهدید علیه همسایگان است بر روند روابط دو کشور تاثیر منفی گذاشت، اما اقدامات ایران از تیرگی هرچه بیشتر روابط جلوگیری کرد به نحوی که روابط سیاسی که به پایین‌ترین سطح خود پس از انقلاب رسیده بود بار دیگر به سطح سفارت ترقی کرد و آقای سیدباقر سخایی به عنوان اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۶ عازم قطر شد.

۵-۲. نقش جنگ تحمیلی بر روابط ایران و قطر

روابط قطر با ج.ا.ایران در دوران جنگ تحمیلی خارج از رفتار شورای همکاری خلیج فارس نبود به همین دلیل خیلی نمی‌توان یک رفتار مستقلانه‌ای را برای آن قایل شد. کشور قطر از اعضای تشکیل دهنده شورای همکاری خلیج فارس است. پس برای بررسی رفتارها و سیاست‌های آن در قبال ایران و تاثیری که این جنگ بر روی روابط دو کشور گذاشته است، باید ابتدا بر تحلیل رفتارهای شورای همکاری خلیج فارس بپردازیم و سپس رفتار قطر در قبال ایران در طی جنگ تحمیلی تا خاتمه آن تجزیه و تحلیل کرد.

در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (۱۳۵۹-۱۳۶۷) قطر علی‌رغم موضع سیاسی تقریباً بی‌طرفانه‌اش، در چارچوب سیاست‌های شورای همکاری خلیج فارس و فشارهای عربستان به کمک‌های مالی و حمایت تبلیغاتی از رژیم صدام حسین بوده و بعداً نیز هرگونه گسترش روابط را منوط به پایان یافتن جنگ می‌کرد. در طول این جنگ هیات‌های سیاسی مختلفی از جمهوری اسلامی ایران به قطر سفر کردند لیکن قطری‌ها به دلیل شرایط فوق‌الذکر اقدام به پاسخ متقابل ننمودند (علوی، ۱۳۷۴: ۹۶).

مطبوعات قطر و رادیو و تلویزیون آن کشور در طول جنگ به پخش یک‌طرفه اعلامیه‌های نظامی رژیم بغداد مبادرت می‌نمودند و همواره جمهوری اسلامی ایران را از ادامه جنگ برحذر داشته و از طرفین می‌خواست به منظور فیصله مسالمت‌آمیز اختلافات، جنگ را متوقف کرده و به مذاکره بنشینند. قطر همواره سعی داشته خود را ظاهراً بی‌طرف نشان داده و در جریان کنفرانس‌ها

و جلسات بین‌المللی و منطقه‌ای مانند سازمان ملل متحد، غیرمتعهدها، شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب ضمن اینکه همگام با سایر کشورهای محافظه‌کار عرب در قضیه جنگ علیه ایران موضع‌گیری می‌نمود؛ اما در موارد دیگر مواضع خاص و تندی علیه ج.ا.ایران نداشت. علی‌رغم اینکه عضویت قطر در زمان جنگ عراق علیه ایران در شورای همکار خلیج فارس یک نوع موضع‌گیری علیه ایران محسوب می‌شد؛ اما نگاهی به جناح‌بندی‌ها و موضع‌گیری‌های داخل شورا ظرف مدت تشکیل شورا نشان می‌دهد که قطر در پاره‌ای موارد، از جمله در قبال روابطش با ایران از عربستان دور شده و پیروزی‌های نظامی ایران بر عراق در طول مدت جنگ و تثبیت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان قدرت برتر منطقه پیوسته در ملایم شدن موضع قطری‌ها و تغییر نسبی مواضع‌شان نسبت به ج.ا.ایران تاثیر به‌سزایی داشت.

پس از خاتمه جنگ عراق علیه ایران، قائم مقام وزیر خارجه وقت (بشارتی)، در سپتامبر ۱۹۸۸ با امیر قطر دیدار کرد و بعد از جنگ عراق علیه کویت، قطر بازسازی روابط ایران را به دیده مثبت نگریست و نقش امنیتی و کمک‌های بالقوه ایران در سیستم امنیت خلیج فارس را یادآور شد.

همچنین دولت قطر نخستین دولت منطقه بود که به‌طور رسمی اجرای مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، میان ایران و عراق را تایید کرد (احتشامی، ۱۳۷۸: ۸۲-۸۴). در سال ۱۳۶۸ خالد العطیه وزیر رفاه عمومی و یکی از نزدیکان شیخ خلیفه (امیر وقت) بود که به‌منظور ابراز تسلیم کشور قطر و شرکت در مراسم تشییع پیکر حضرت امام خمینی(ره) به ایران آمد.

۵-۳. روابط خارجی قطر با ایالات متحده آمریکا

قطر تنش‌هایی که با همسایگانش دارد با تحکیم روابط استراتژیکی‌اش با اروپا و غرب جبران کرده است. قطر ترتیبات امنیتی‌اش را با غرب تا زمان جنگ تانکر در (۱۹۸۸-۱۹۸۷) توسعه نداده بود و فقط در طول جنگ خلیج فارس ترتیبات امنیتی‌اش را با ایالات متحده آمریکا گسترش داده است؛ اما در این مورد یک تنش بزرگ بین دو کشور به‌وجود آمد و آن در مورد خرید

قاچاقی موشک‌های استینگر قطر از افغانستان در طول مارس ۱۹۸۸ تا نوامبر ۱۹۹۰ بود. در طول جنگ خلیج فارس قطر به نیروهای آمریکایی اجازه داد تا از پایگاه قطر استفاده کنند. همچنین قطر در رابطه با ترتیبات امنیتی دفاعی که پیشنهادی از طرف آمریکا مبنی بر دستیابی آمریکا به پایگاه‌های هوایی و دریایی قطر بود وارد مذاکره شد. در مارس ۱۹۹۵، قطر به‌طور رسمی با تجهیزات سنگین برای یک تیپ ارتش مکانیزه شده آمریکا در قطر موافقت کرد (Cordesman, 1977: 218).

از دیدگاه امنیتی ایران مهمترین تهدید کننده این کشور محسوب می‌شود؛ زیرا دو کشور دارای حوزه‌های نفتی و گازی مشترک دریایی هستند. به‌همین دلیل قطر از حضور نظامی آمریکا بسیار استقبال می‌کند و حتی خواستار حضور و نمود بیشتر آنان است. مقامات قطری مایل هستند نظامیان آمریکایی با مردم آنها حشر و نشر داشته باشند و آمریکا را به حضور دایمی در کشور متعهد سازند. دولت قطر بدین منظور اقدامات متعددی انجام داده است تا خوشایند آمریکایی‌ها باشد، اقداماتی چون فروش مشروبات الکلی در هتل‌ها، لیبرالیزه کردن قوانین و اعطای حق رای به زنان. این اقدامات مورد انتقاد توده مردم قرار گرفته است؛ زیرا معتقدند دولت زیاده روی کرده است. این اقدامات در کشوری محافظه‌کار که از اسلام وهابی عربستان پیروی می‌کند جسورانه و خطرناک است. البته رهبران کنونی قطر بر این باورند که چنین اقداماتی درخور پذیرش می‌باشد و این کشور در حال پی‌گیری شیوه آمریکایی است. معرفی ایران به‌عنوان تهدیدی برجسته و بلندمدت بر ضد امنیت کشورهای کوچک خلیج فارس با توجه به ضعف داخلی و احساس ناامنی و بی‌اعتمادی آن کشورها، آنها را از لحاظ امنیتی کاملاً به آمریکا وابسته کرده است. در حال حاضر آمریکا با استفاده از روابط کنونی خود با ایران و دامن زدن به احساس ناامنی کشورهای منطقه، علاوه بر توجیه حضور دایمی خود در منطقه به بستن پیمان‌های امنیتی دوجانبه با کشورهای منطقه از جمله قطر اقدام کرده است (Bill, 2005: 189).

۴-۵. روابط قطر با اسرائیل

از سال ۱۹۹۴، تماس‌های دوجانبه اسرائیل و کشورهای جنوبی خلیج فارس برقرار شده است و مقامات اسرائیلی به‌طور رسمی از دو کشور عمان و قطر دیدار کرده‌اند. در دسامبر ۱۹۹۴ یک هیات عالی‌رتبه اسرائیلی به ریاست اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل از عمان دیدار کرد. در اوایل ۱۹۹۶ نیز شیمون پرز، رئیس دولت اسرائیل از مسقط پایتخت عمان دیدار نمود. همچنین در سال ۱۹۹۴، اسحاق رابین با وزیران خارجه و کشور قطر در نیویوک دیدار کرد. هیات‌هایی نیز از قطر و عمان در مراسم تدفین اسحاق رابین در بیت‌المقدس شرکت کردند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۱: ۲۰۵). این مسئله سبب بروز شکاف بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس شد. روزنامه کویتی السیاسیه نوشت: «رهبران عرب که در مراسم تدفین تشییع جنازه شرکت کرده بودند، نماینده همه ما بودند.» اما شورای همکاری خلیج فارس با انتشار بیانیه‌ای از این اقدام قطر و عمان ابراز تاسف کرد. علت این که قطر و عمان در میان کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس پیش‌قدم در بهبود روابط و برقراری تماس با اسرائیل شدند، این واقعیت است که در این کشورها تعداد فلسطینی‌ها و طرفداران آنها بسیار اندک است. توسعه روابط قطر با رژیم اسرائیل منجر به تیرگی روابط با ایران شده است.

۵-۵. دیدگاه متضاد جمهوری اسلامی ایران و قطر در مورد امنیت منطقه

از منظر ایرانی، مداخله غرب تهدید اصلی امنیت منطقه خلیج فارس می‌باشد. ساختار امنیتی خلیج فارس باید جامع و در سطح منطقه باشد. ایران طرفدار به‌وجود آوردن یک ساختار جدید امنیتی می‌باشد که در برگیرنده تمامی کشورهای ساحلی خلیج فارس باشد. در نتیجه ایران به‌شدت پیمان‌های امنیتی را که کویت و قطر با قدرت‌های غربی به امضا رسانیده‌اند را رد می‌کند و بیانیه دمشق را که در سال ۱۹۹۱، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با مصر و سوریه امضا کرده‌اند رد می‌نماید. در حالی که ایران معتقد است که برای حفظ امنیت در خلیج فارس نیاز به یک مدل همکاری در چارچوب یک اقتصاد بهم پیوسته در راستای جامعه اقتصادی اروپا بود، این بیانیه

در فرم ابتدای خود، خواستار به رسمیت شناختن مصر و سوریه در استقرار صلح در خلیج فارس بود. ایران در منطقه بیشتر یک نقش متعادل کننده، حامی و میانجی داشته است. همچنین این کشور امنیت خلیج فارس را با امنیت در آسیای میانه مرتبط ساخته و خود را پلی بین این دو فضای امنیتی می‌داند.

بالاترین و بهترین مزیت سیستم امنیت جدید آن است که به ایالات متحده آمریکا این امکان را می‌دهد تا از موضع خود یعنی حمایت از اسرائیل در قالب دفاع و پشتیبانی از کشورهای عربی توجیه کند. چنین ساختار امنیتی، بیش از هر چیز به منظور حفظ و تضمین اهداف و منافع حیاتی آمریکا طراحی گردیده نه تضمین کامل امنیت منطقه، ولی گذشته از خواست آمریکا مبنی بر کنارگذاشتن تهران و بغداد از ترتیبات امنیتی جدید، واشنگتن اهداف دیگری را هم جستجو می‌کند (سیدالسلیم، ۱۳۸۴: ۵۶).

بی‌اعتمادی کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس به ایران و همین‌طور به یکدیگر، زمینه هرگونه همکاری امنیتی و امنیت دسته‌جمعی که موضوع استراتژیک دیگری در حوزه خلیج فارس است را از میان برده است. قطری‌ها ایران را یک تهدید بالقوه علیه قطر و منطقه می‌دانند. عده‌ای بسیاری در تلاش‌اند که روند گفتگوی ایران و قطر را به دور از حقیقت نشان دهند و تهدیدات ایران را بزرگترین عامل پشت تلاش‌های قطر برای گسترش و بهبود روابط نظامی‌اش با آمریکا جلوه دهند. در همین رابطه، قطر گاه‌ها علیه ایران موضع‌گیری کرده و از ادعای امارات متحده عربی بر سر کنترل کامل جزایر سه‌گانه پشتیبانی کرده است (Cordes-man, 1977: 252). قطر یک قدرت عمده نظامی در منطقه نیست، نیرویش هنوز کوچک و نسبتاً کم تجربه است و نمی‌تواند نقش عمده‌ای در ترتیبات دفاعی منطقه داشته باشد. همچنین برای توسعه تجهیزات بمبی و بهبود توانایی‌های دفاع دسته‌جمعی خود نیازمند کمک‌های خارجی است. این مسایل بیانگر آن است که قطر امنیت منطقه را در گرو حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌داند.

۵-۶. ذخایر گازی مشترک (میدان پارس جنوبی) جمهوری اسلامی ایران و قطر
جمهوری اسلامی ایران و قطر به عنوان بزرگترین صاحبان گاز طبیعی جهان پس از روسیه، در عظیم‌ترین میدان گازی جهان یعنی پارس جنوبی با یکدیگر مشترک هستند. همین امر علاوه بر تاثیرگذاری شدید بر روی روابط اقتصادی دو کشور تاثیرات بسیار شدیدی را روی روابط و تعاملات سیاسی دو کشور گذاشته است به طوری که هر نوع تصمیم‌گیری از سوی هر کدام از این دو کشور هم بر روی کشور مقابل تاثیرگذار بوده و هم بر امنیت و صلح و ثبات منطقه و نیز امنیت انرژی جهان تاثیرگذار می‌باشد.

۵-۷. ذخایر گاز طبیعی در خلیج فارس

۵-۷-۱. ایران

کشور ایران با داشتن بیش از $15/3$ درصد ذخایر اثبات شده گاز طبیعی جهان و 44 درصد خاورمیانه به ترتیب در رتبه دوم و اول جهان و خاورمیانه قرار دارد. یکی از میادین مهم ایران در مناطق دریایی، میدان پارس جنوبی می‌باشد. این میدان بر روی خط مشترک ایران و قطر در خلیج فارس قرار دارد. طبق آخرین برآوردها ظرفیت بخش مربوط به ایران حدود 1464 تریلیون فوت مکعب بود که بیش از 8 درصد کل ذخایر جهان و بالغ بر 40 درصد ذخایر گازی کشور را تشکیل می‌دهد. همچنین میدان پارس جنوبی دارای ذخیره‌ای معادل 17100 میلیون بشکه میعانات گازی می‌باشد (بولتن تحولات بازرگانی، 1380).

از میادین مشترک گازی دیگر در منطقه دریایی میدان‌های سلمان (سازندگازی با ابوظبی)، مبارک (سازندگازی تاماما با شارجه) فارسی B (با عربستان)، هنگام (با عمان) و آرش (با کویت) می‌باشد. کشور ایران یک میدان مشترک گازی در منطقه خشک بنام گنبدلی با ترکمنستان دارد.

جمهوری اسلامی ایران دارای میادین مستقل گازی مهم می‌باشد که عبارتند از: خانگیران، ناروکنگتن، سرخون و قشم، آغاز، لاوان و همچنین میدان گازی توسعه نیافته مانند پارس

شمالی، فردوس و گلشن در منطقه دریایی و میادین بزرگ تابناک، تنگ بیجار، شانول، عسلویه، کبیرکوه، گالشو جنوبی، گردان، مختار، واوی و تعداد زیادی میادین کوچک در منطقه خشکی را می‌توان نام برد. طبق جدول ارایه شده ذخایر اثبات شده گاز طبیعی ایران بین سال‌های (۱۹۸۰-۲۰۰۰) حدود دو برابر افزایش یافته؛ به‌طوری‌که از ۱۳۱۷۳ تریلیون متر مکعب در سال ۱۹۸۰ به ۲۳ تریلیون متر مکعب در سال ۲۰۰۰، رسیده است (بولتن تحولات بازرگانی، ۱۳۸۰).

۵-۷-۲. قطر

بعد از ایران کشور قطر با داشتن ۷/۴ درصد ذخایر گاز طبیعی جهان و ۲۱ درصد ذخایر گاز خاورمیانه به‌ترتیب در رتبه‌های سوم و دوم جهان و خاورمیانه قرار دارد. کشور قطر با داشتن میدان گازی مشترک با ایران (پارس جنوبی) به یکی از مهمترین صادرکنندگان (LNG) در جهان تبدیل شده است. طوری که صادرات (LNG) این کشور از ۴/۸ میلیارد متر مکعب در سال ۱۹۹۸ به ۱۴/۰۴ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۰، افزایش یافته است؛ به‌عبارت دیگر در طی سال‌های فوق صادرات این کشور سه برابر شده است. در سال ۲۰۰۰، قطر بعد از کشورهای اندونزی و الجزایر سومین صادرکننده (LNG) در جهان بود (بولتن تحولات بازرگانی، ۱۳۸۰).

طبق جدول ذخایر گاز طبیعی کشور قطر طی سال‌های (۱۹۸۰-۲۰۰۰)، حدود ۷ برابر افزایش یافته است؛ به‌طوری‌که از ۱/۷۰ تریلیون متر مکعب در سال ۱۹۸۰ به ۱۱/۱۵ تریلیون متر مکعب در سال ۲۰۰ رسیده است که نشان دهنده موفقیت فعالیت‌های اکتشافی کشور قطر در بخش دریا می‌باشد.

جدول ۱: ذخایر اثبات شده گاز طبیعی خاورمیانه

کشور	سال	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۹	۲۰۰۰	درصد در جهان
بحرین	۰/۲۵	۰/۱۸	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱۱	۱/۰
ایران	۱۳/۷۳	۱۷/۰۰	۲۳/۰۰	۲۳/۰۰	۲۳/۰۰	۱۵/۳
عراق	۰/۷۸	۲/۶۹	۳/۱۱	۳/۱۱	۳/۱۱	۲/۱
کویت	۰/۹۴	۱/۵۲	۱/۴۹	۱/۴۹	۱/۴۹	۱/۰
عمان	۰/۰۷	۰/۲۰	۰/۸۰	۰/۸۳	۰/۸۳	۰/۶
قطر	۱/۷۰	۴/۶۲	۸/۴۶	۱۱/۱۵	۱۱/۱۵	۷/۴
عربستان سعودی	۳/۱۸	۵/۲۵	۵/۷۹	۶/۰۵	۶/۰۵	۴/۰
امارات متحده عربی	۰/۵۹	۵/۶۷	۶/۰۰	۶/۰۱	۶/۰۱	۴/۰
یمن	—	۰/۲۰	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۳
بقیه کشورها	۰/۰۵	۰/۱۷	۰/۲۵	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۲
جمع کل	۲۱/۲۹	۳۷/۵۰	۴۹/۵۲	۵۲/۲۲	۵۲/۲۲	۳۵/۰۰

جدول ۲: تولید گاز طبیعی در جمهوری اسلامی ایران، قطر، امارات متحده عربی و عربستان

تولید (میلیارد مترمکعب)	درصد دنیا	سال ۱۹۹۹	سال ۱۹۸۹
جمهوری اسلامی ایران	۲/۳	۲۵/۵	۲۲/۲
قطر	۱/۰	۲۴/۰	۶/۲
امارات متحده عربی	۱/۶	۳۸/۰	۲۰/۰
عربستان	۲/۰	۴۶/۲	۲۹/۸

Source: BP Amoco. Statistical Review of world Energy 2000, London. 2000,

PP20 and 23

۵-۸. ذخایر گازی مشترک (میدان پارس جنوبی) جمهوری اسلامی ایران و قطر

۵-۸-۱. میدان گازی پارس جنوبی

میدان گازی پارس جنوبی با داشتن ۱۳/۱۳۰ تریلیون متر مکعب گاز و ۱۷/۱ میلیارد بشکه میعانات گازی بزرگترین میدان گازی مستقل جهان است و میان ایران و قطر مشترک می‌باشد. با توجه به اینکه قطر از سال ۱۹۹۲م (۱۳۷۱ش) برداشت از این مخزن را آغاز نموده است. وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران به‌منظور جلوگیری از مهاجرت گاز و میعانات گازی و نیز تامین گاز مورد نیاز کشور و صادرات میعانات گازی، بهره‌برداری این میدان را در دستور کار خویش قرار داد.

شروع بهره‌برداری دولت قطر از این میدان گازی مصادف با برنامه اول توسعه اقتصادی ایران بود و هیچ اقدام مشابهی از طرف دولت ما صورت نگرفت و به‌رغم منابع ارزی کلانی که از محل فروش نفت و چهل میلیارد دلار استقراض خارجی حاصل گردید، سیاست‌گذاران اقتصادی و برنامه‌ریزان از توسعه این میدان غافل ماندند (حسن بیکی، ۱۳۸۷: ۳۷).

وقتی رویای توسعه صادرات غیرنفتی از طریق به فعالیت رساندن ظرفیت‌های اضافی صنایع کشور به کابوس بدهی‌های ارزی مبدل شد، ایران با شرایط دشواری برای توسعه میدان مزبور رو به‌رو شده بود؛ چراکه از یک‌طرف از آغاز دهه ۷۰ شمسی قطر علاوه بر برداشت گاز و میعانات گازی از این میدان برنامه‌های توسعه خود را از طریق جلب میلیاردها دلار منابع ارزی خارجی با جدیت بیشتری تعقیب می‌کرد و از سوی دیگر ایران دست به گریبان بازپرداخت بدهی‌های حاصل از برنامه اول در یک شرایط وخیم ارزی بود. این امر در کنار تحریم‌های نفتی آمریکا شرایط دشواری را به کشور تحمیل کرده بود که هم امکان سرمایه‌گذاری مستقیم و هم امکان جلب سرمایه‌گذاری خارجی از ایران سلب می‌کرد (مبصر، ۱۳۸۱: ۳۴).

با وجود این، دامنه بهره‌برداری از میدان پارس جنوبی و برنامه‌های قطر و سایر کشورهای

امارات متحده عربی که امکان گسترش ارتباط بین تجهیزات گازی قطر، امارات متحده عربی و عمان و امکان صدور گاز طبیعی از این میدان را برای قطری‌ها به دنبال دارد، روشن می‌شود که برخلاف غفلی که ایران در این میدان گازی مشترک به خرج داده بود، قطری‌ها توسعه اقتصاد کشورشان را با توسعه میدان گازی در هم تنیده‌اند. بر اساس پروژه دلفین که چندین سال به طول می‌انجامد و بین ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار هزینه در بردارد، این امکان حاصل می‌شود که در مرحله اول، سه میلیارد فوت مکعب گاز طبیعی قطر به امارات متحده عربی و عمان انتقال یابد و در نهایت نیاز تمام نیروگاه‌های گازسوز امارات به‌طور کامل تامین شود. بنابراین، در شرایطی که با سرعت روزافزون در توسعه میدان گازی پارس جنوبی، هزینه‌های عدم توسعه میدان مذکور برای ایران به‌طور فزاینده‌ای افزایش می‌یافت، ایران در شرایط وخیم ارزی و تحت فشار شدید تحریم‌های آمریکا ناچار شد به هر قیمت که می‌شود، طرح توسعه میدان مذکور را در دستور کار خود قرار دهد. طبیعی بود که در این شرایط هزینه تداوم غفلت ایران از میدان مذکور به مراتب بیش از هزینه عقد حتی بدترین قراردادهای ممکن بود و درواقع این محدودیت‌ها چه به‌جهت قدرت چانه‌زنی در عقد قراردادهای بین‌المللی توان دولت‌مردان ایران را به‌شدت کاهش داده بود (مبصر، ۱۳۸۱: ۳۸).

۵-۹. رقابت ج.ا.ایران و قطر در توسعه میدان گازی مشترک (پارس جنوبی)

بزرگترین عامل بالقوه ارتباط ایران با قطر میدان گازی پارس جنوبی است که بین دو کشور مشترک است. از مجموع ذخایر ۳۹۴ تریلیون فوت مکعب گاز قطر رقمی معادل ۳۸۰ تریلیون فوت مکعب آن تنها در میدان شمالی این کشور که امتداد میدان گازی پارس جنوبی ایران است متمرکز شده است و از این میزان ۲۳۹ تریلیون فوت مکعب آن گاز قابل بازیافت است. برخورداری از چنین ذخایری، این میدان را به بزرگترین ذخیره گازی غیرهمراه جهان تبدیل کرده است.

بهره‌برداری از این میدان از سوی قطری‌ها از سال‌ها پیش آغاز شده است. این در حالی است

۸۲ که جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر فعالیت‌های مربوط به میدان پارس جنوبی را آغاز

و برنامه‌ای برای توسعه آن در ۲۵ فاز ارایه نموده است. بر این اساس تا کنون اجرای ۸ فاز از طرح‌های توسعه مزبور آغاز شده است؛ اما تنها فازهای ۲ و ۳ به زودی به بهره‌برداری خواهند رسید (بولتن تحولات گاز، ۱۳۸۱).

بر اساس برآورد کارشناسان، ارزش گاز برداشت شده از سوی طرف قطری از این ثروت کلان مشترک تا کنون رقمی معادل ۱۷ میلیارد دلار بوده است.

همچنین نشریه اکونومیست در تازه‌ترین گزارش خود، سهم برداشت قطر از بزرگترین منبع گازی مشترک جهان را ۶ برابر ایران اعلام کرده است. اکونومیست در گزارش خود قطر را بزرگترین تولیدکننده ال.ان.جی (گاز طبیعی مایع شده) جهان در سال ۲۰۱۰، معرفی می‌کند و با اشاره به ایران به‌عنوان دومین دارنده منابع گازی جهان می‌نویسد: «تحریم‌های اقتصادی آمریکا و تنش‌های منطقه‌ای و سیاسی مانع از سرمایه‌گذاری‌های گسترده در صنعت گاز ایران شده است».

اکونومیست معتقد است، سرمایه‌گذاری ایران در زمینه تولید گاز طبیعی ال.ان.جی همچنان به صورت لاک‌پشتی حرکت می‌کند (سایت شرکت ملی گاز ایران، ۱۳۸۴).

بر اساس گزارش‌های مختلف، میزان سرمایه‌گذاری قطر در سال‌های گذشته در این میدان گازی در حدود ۶۰ میلیارد دلار بوده که این میزان سرمایه‌گذاری در قالب قراردادهایی با توجیه اقتصادی بالا برای قطر و با شرکت‌های بزرگ گازی جهان صورت گرفته است. تکنولوژی بالا و اجرای سریع و به‌موقع طرح‌های تعریف شده در برداشت گاز و همچنین تبدیل گاز طبیعی به گاز مایع شده از دیگر ویژگی‌های فعالیت قطر در پارس جنوبی است که بهره‌وری سرمایه و ارزش افزودن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را به‌شدت بالا برده است. قطر عضو اوپک تا قبل از سرمایه‌گذاری‌های اخیر، تاکنون در حدود ۱۰۰ سکوی تولید گاز در منطقه پارس جنوبی و در کنار محدوده ایران ایجاد کرده و با توجه به محدودیت خشکی، این کشور بسیاری از تاسیسات خود و تولید ال.ان.جی در دریا، در کنار میادین گازی احداث شده است. به‌لحاظ

وسعت جغرافیایی نیز، سهم قطر از میدان پارس جنوبی در حدود ۸۰ درصد است. مقام‌های این کشور بارها از برنامه‌ریزی برای جذب ۶۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری دیگر در ۱۰ سال آینده در این منطقه خبر می‌دهند (سایت شرکت ملی گاز ایران، ۱۳۸۴).

در مقابل سهم ایران از منطقه گاز مزبور به لحاظ وسعت جغرافیایی کمتر از ۲۰ درصد است. ایران از ابتدای دهه ۷۰، کار برداشت از این میدان را آغاز کرده و به دلیل فاصله ۱۲۰ کیلومتری تا سرزمین اصلی تأسیسات فرآوری گاز را در منطقه عسلویه مستقر کرده است. سرمایه‌گذاری انجام شده ایران در این مدت در حدود ۱۵ میلیارد دلار است. توسعه این میدان تاکنون در ۲۸ فاز تعریف شده که فازهای ۱ تا ۵ آن به مرحله بهره‌برداری رسیده و فازهای ۶ تا ۱۰ نیز عملیات اجرایی آن در جریان است و قرارداد فازهای ۱۶، ۱۵، ۱۲ و ۱۸ نیز منعقد شده است. تأسیسات گاز ایران در میدان پارس جنوبی به بخش خشکی و دریا تقسیم شده و تاکنون نزدیک به ۱۵ سکو در بخش دریایی برای استحصال گاز و انتقال آن به عسلویه از طریق خط لوله نصب شده است. قراردادهای امضا شده با شرکت‌های خارجی برای توسعه فازها به شکل بیع متقابل و فاینانس است و شرکت‌هایی همچون توتال فرانسه، استات اویل نروژ، پتروناس مالزی و شرکت‌هایی از ژاپن، کره جنوبی و چین نیز در این میدان مشارکت دارند.

نکته قابل توجه در اختیارگرفتن انحصار بازارهای گازی منطقه و بین‌المللی است که حضور شرکت‌های بزرگ‌تر و مشارکت در فرایند تولید و بازاریابی و سرمایه‌گذاری بیشتر، تسریع در اجرای قراردادهای برداشت بیشتر، دست برتر قطر در این مسئله است. پیش‌بینی می‌شود تولید و صادرات ال.ان.جی قطر در ۱۰ سال آینده ۳ برابر شود. در سال ۲۰۲۰، تولید و صادرات ال.ان.جی قطر از مجموع تولید ۲ کشور تولید کننده ال.ان.جی در حاشیه خلیج فارس، یعنی امارات متحده عربی و عمان، بیشتر بوده و به ۴/۱۲ درصد از کل صادرات ال.ان.جی جهان رسیده است. بر اساس بیشتر پیش‌بینی‌های دیگر تا سال ۲۰۱۰ سهم جهانی قطر از تولید ال.ان.جی از سهم کنونی الجزایر (۱۷/۹ درصد) خواهد گذشت و احتمالاً به ۲۰ درصد خواهد رسید. بر اساس همین

پیش‌بینی‌ها تا آن هنگام سهم قطر در بازارهای جهانی ال.ان.جی ۲۵ درصد برآورد شده است. قطر در توسعه فناوری جی.تی.ال یا تبدیل گاز مایع به سوخت‌های مایع، تلاش می‌کند به‌طوری‌که آخرین پروژه قطر در این زمینه بزرگترین پروژه جی.تی.ال جهان بوده است. قطر از گاز طبیعی خود برای تولید متانول، آمونیاک، اوره، اتیلن و دیگر محصولات پتروشیمی استفاده می‌کند (پاشنگ، ۱۳۸۳: ۴).

در حال حاضر قطر با برداشت روزانه بیش از ۲۲۶/۵ میلیون متر مکعب گاز از میدان مشترک پارس جنوبی دو برابر ایران (روزانه ۱۲۵ میلیون متر مکعب) از این میدان مشترک گاز برداشت می‌کند.

برنامه‌ریزی‌ها در شرکت نفت و گاز پارس در خصوص بهره‌برداری از فازهای پارس جنوبی در سال ۱۳۸۵، حاکی از آن بود که با وارد مدار شدن ۵ فاز دیگر پارس جنوبی تا پایان سال ۸۵، ایران همچنان با قطر در برداشت از این میدان مشترک برابر خواهد بود. این در حالی است که پنج فاز ۶ تا ۱۰ پارس جنوبی همچنان با تاخیر مواجه است و پیش‌بینی می‌شود تا زمستان امسال نیز این پنج فاز وارد مدار تولید نشود؛ درحالی‌که قطر بر اساس برنامه تمام طرح‌های خود را به تولید رسانده و بر آن است تا خود را قدرت اول منطقه در این‌باره تبدیل کند (جزایری، ۱۳۸۷: ۵).

شش. عوامل موثر بر بسط تعاملات دوجانبه ایران و قطر

۱-۶. سیاست تنش‌زدایی ایران (۱۹۹۶-۱۹۸۹)

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ عراق علیه ایران، بازنگری قانون اساسی و انتخاب اکبر هاشمی‌رفسنجانی به ریاست‌جمهوری از یکسو و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تاثیر آن بر روابط بین‌الملل از سوی دیگر از جمله عواملی بودند که در دو سطح داخلی و بین‌المللی بر روند سیاست‌گذاری نظام و چگونگی تفکر و شیوه تصمیم‌گیری و اجرایی نخبگان در خصوص مسایل عمده کشوری شدیداً تاثیرگذار بودند.

خرابی‌های جنگ و مشکلات مالی و معنوی ناشی از آن، مسئله مهاجران و اسرای جنگی، نابودی مراکز تولید، کاهش سرمایه ملی، محاصره اقتصادی و به‌طور کلی نابسامانی‌های اقتصادی و تنگناهای سیاست داخلی موجودیت جمهوری اسلامی را شدیداً تهدید می‌کرد. ضمن اینکه تعقیب سیاست بی‌اعتنایی به ترتیبات بین‌المللی هشت سال جنگ، هیچ‌یک از خواسته‌های تجدیدنظرطلبانه بین‌المللی ایران را تامین نکرده بود. تحت‌تاثیر این عوامل به تدریج دولت با اکراه و اجبار واقعیت‌های نظام بین‌الملل و شرایط بحرانی را پذیرفت و برای سامان دادن به اوضاع داخلی و بازسازی کشور، اصلاح‌طلبی اقتصادی را سرلوحه کار خویش قرار داد. عنصر محوری این گفتمان را عمل‌گرایی در تنظیم و اجرای سیاست خارجی با رعایت ارزش‌های اسلامی تشکیل می‌داد (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۵).

درواقع خط‌مشی عملی و رفتاری ایران در صحنه سیاست خارجی در دهه دوم انقلاب را می‌توان با توجه به منافع ملی و ترتیبات منطقه‌ای و پرهیز از تحریک دیگران در قالب سیاست عادی‌سازی روابط مورد بررسی قرار داد. نخبگان سیاسی هرچند که از پافشاری بر برخی از جنبه‌های آرمانی که امکان تحقق آنها در شرایط خاصی امکان‌پذیر است، دریغ نمی‌ورزیدند؛ درعین حال ضمن قبول عناصری از واقع‌گرایی در رفتار خارجی در تلاش خستگی‌ناپذیر در جهت تامین منافع ملی و همزیستی مسالمت‌آمیز بودند.

۶-۲. نقش سیاست عادی‌سازی ایران بر روابط ایران و قطر

سیاست مصلحت‌گرایانه هاشمی‌رفسنجانی بیشترین تاکید خود را بر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس گذاشته بود. چراکه این کشورها می‌توانستند از یک‌طرف بازار مصرفی برای کالاهای ایرانی باشند و از طرف دیگر هرگونه تحولات در قیمت بازار نفت بدون همکاری با این کشورها خصوصاً عربستان امکان‌پذیر نبود. ایران همچنین قصد داشت که از سرمایه‌های کشورهای عربی خلیج فارس در امر بازسازی خود استفاده نماید. از این‌رو ۲۰ الی ۲۲ نوامبر ۱۹۸۹، کنفرانس بین‌المللی در تهران تحت عنوان «خلیج فارس» با شعار «همبستگی» و

«اتحاد» برگزار گردید. در این کنفرانس که مقامات رسمی و متخصصان حضور داشتند، ایران سیاست خارجی جدید خود را اعلام نمود. همچنین هاشمی رفسنجانی و ولایتی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را به اتحاد در زمینه‌های گوناگون اقتصادی و امنیتی دعوت کردند. از این کنفرانس به بعد، ایران سیاست آشتی‌جویانه را با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بهیود بخشید و این امر بعد از حمله عراق به کویت امکان‌پذیر شد. یکی از دستاوردهای مهم حمله به کویت نوعی پیروزی اخلاقی ایران در مقابل دولت‌های عرب منطقه بود که در طول جنگ از عراق حمایت نموده بودند (Bil, 1996: 31).

استراتژی تنش‌زدایی که در دوران هاشمی رفسنجانی نیز اتخاذ شده بود، وی توانسته بود با بهره‌گیری از حمله عراق به کویت در اجرای این استراتژی خصوصاً در ارتباط با کشورهای منطقه خلیج فارس توفیقاتی به‌دست آورد. اما به‌دلایلی از جمله مخالفت ایران با روند صلح اعراب و اسرائیل که اعراب شدیداً به آن امید بسته بودند و بحران در روابط ایران و امارات توفیق چندانی نیافت و این تصویر در اذهان بین‌المللی و کشورهای منطقه به‌وجود آمد که این سیاست بیش از آنکه یک استراتژی باشد، تاکتیکی برای حصول به اهداف گذشته است (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۴۵). در حقیقت استراتژی عموماً آشتی‌جویانه دولت آقای هاشمی رفسنجانی در قبال دولت‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس از یک جهت روی دیگر همان سیاست مهار عراق توسط ایران است. این استراتژی آشتی‌جویی نیز مانند سیاست مهار همچنان در حال تحول است.

صلح مصلحت‌جویانه دولت هاشمی رفسنجانی باعث شد که کشور کوچک قطر در برابر فشار ابرقدرت جهانی آمریکا و ترس از دومین قدرت بزرگ منطقه یعنی عربستان سعودی در پاره‌ای از موارد ایستادگی کند و روابط صلح‌آمیزش را با ج.ا.ایران ادامه دهد، هرچند که در پاره‌ای از موارد به دلیل قرارگرفتن در یک سیستم امنیت دسته جمعی (شورای همکاری خلیج فارس) و ضعف سیستم دفاعی خویش تعهدات نظامی عدیده با ایالات متحده آمریکا و ترس از صدور انقلاب اسلامی ایران و همچنین اقدامات ج.ا.ایران در حمایت از فلسطین و مخالفت با صلح اعراب و

اسرائیل و نیز مخالفت شدید آن با حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس، توان حفظ روابط صلح آمیز خود را از دست داده و با ایران با بی میلی برخورد کرده است.

هفت. روابط خارجی ایران و قطر از (۲۰۰۵-۱۹۹۶)

۷-۱. سیاست خارجی نوین ایران

سیدمحمد خاتمی، در انتخابات ۲۳ مه ۱۹۹۷ (۲ خرداد ۱۳۷۶) با ۲۰ میلیون رای به عنوان هفتمین رئیس جمهوری ایران برگزیده شد. وی در اولین مصاحبه مطبوعاتی بعد از انتخابات ریاست جمهوری تاکید کرد که سیاست آشتی جویانه او با خانواده بین المللی برپایه برقراری روابط با همه کشورهای جهان بر اساس احترام متقابل، منافع مشترک و به دور از پذیرش سلطه قدرت های بزرگ استوار خواهد بود. بر اساس نوشته های مطبوعات خارجی فهرست اسامی کابینه ۲۲ نفره خاتمی، نشان دهنده عزم راسخ وی مبنی بر اعمال نظرات وی در رابط خارجی بود.

سیاست دولت خاتمی، به ویژه در مسئله تنش زدایی در سیاست خارجی با استقبال کشورهای اروپایی روبه رو شد. به دنبال آن اتحادیه اروپا تمایل خود را به توسعه روابط با ایران اعلام کرد. در این راستا مقامات کشورهای اروپایی به کرات از ایران دیدن کردند. جامعه ایران تحت تاثیر تحولات داخلی ناشی از فضای نوین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و رشد جمعیت جوان کشور از یک طرف و مجموعه رخداد های بین المللی پس از جنگ سرد و زوال سیستم دوقطبی و پیدایش گفتمان نوین در سطح بین المللی از سوی دیگر، آبستن تحولی نوین بود (روشندل، ۱۳۷۷: ۷۵).

۷-۲. تغییر سیاست های دولت های منطقه در قبال ایران

در مورد تغییر رویکرد کشورهای حوزه خلیج فارس در پی اعلام سیاست تنش زدایی باید گفت که دلایل متعددی باعث شد که اعراب منطقه خلیج فارس و خصوصاً عربستان و قطر از سیاست تنش زدایی آقای خاتمی استقبال و رویکرد مثبتی در قابل آن اتخاذ نمایند.

مهمترین این دلایل عبارتند از: ۱- بن بست ایجاد شده در روند صلح خاورمیانه و حمایت های

بی قید و شرط آمریکا از اسرائیل موجب ناراحت شدن کشورهای اسلامی و عربی از سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه گردید. همین بن‌بست مذاکرات صلح، زمینه را برای درک بهتر اعراب از مواضع ایران در منطقه را فراهم ساخت؛ ۲- ناخرسندی اعراب از تشکیل محور سیاسی امنیتی ترکیه و اسرائیل در منطقه یکی دیگر از دلایل این نزدیکی است. از دیدگاه اعراب این محور برای تحت فشار قرار دادن کشورهای درگیر و تاثیرگذار بر مسایل خاورمیانه خصوصا کشورهای حوزه خلیج فارس می‌تواند باشد این نارضایتی با توسعه همکاری‌های نظامی آنکارا تل‌آویو و استقرار هواپیماهای اسرائیلی در خاک ترکیه در نزدیکی مرزهای سوریه و برگزاری مانور نظامی اسرائیل ترکیه و آمریکا در دریای مدیترانه افزایش یافت؛ ۳- عامل دیگر، احساس نگرانی دولت‌مردان عرب حاشیه خلیج فارس از تاثیر منفی شدید حضور نظامی آمریکا در منطقه بر ثبات و آرامش داخلی این کشورهاست وقایعی نظیر انفجار ظهران که ۱۹ نظامی آمریکا در جریان آن کشته شدند، مقامات عربستان و سایر دول حاشیه جنوبی خلیج فارس را به تامل در میزان همکاری آن فرا خواند (رمضانی، ۱۳۷۷: ۱۷).

۷-۳. تغییر هیات حاکمه قطر

«شیخ خلیفه بن حمد» که بیش از ۲۰ سال بر قطر حکومت کرد، در سال ۱۹۹۵ درحالی‌که در خارج از کشور به‌سر می‌برد، پسرش، شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی، او را از حکومت خلع کرد و با یک کودتای بدون خونریزی حکومت را به‌دست گرفت. امیر قطر به اصلاح سازوکار اقتصادی و دیپلماتیک کشور مبادرت ورزید و اکثر قطری‌ها معتقدند که برنامه‌های اصلاحی او برای نوسازی کشور و پایان دادن به ناهنجاری‌های اقتصادی که در آخرین سال‌های حکومت شیخ خلیفه اتفاق افتاده بود ضروری است. شیخ خلیفه حمد بن خلیفه آل ثانی، در فضای سیاسی کشور تغییراتی را به‌وجود آورد، از جمله آزادی‌های سیاسی. تاسیس یک شورای انتخابی، دادن حق رای به زنان قطر مانند سایر کشورهای نفت خیز حاشیه خلیج فارس، به درآمدهای نفتی وابستگی شدیدی دارد. این کشور در تلاش است تا منابع درآمدی خود را تنوع بخشد و خود را از شر پرداخت یارانه‌های

فراوان به مصرف‌کنندگان خلاص کند.

با تغییر هیات حاکمه قطر در سالیان اخیر زمامداران جدید این کشور جزو اولین کشورهایی هستند که سعی دارند تعریف جدیدی از روابط با ایران را ارایه دهند. قطر کشوری است که با ایران مرز آبی مشترک دارد و هر دو در حوزه‌های نفتی خلیج فارس به استخراج نفت مشغولند و می‌توانند در این ناحیه به همکاری‌های فنی گسترده‌ای دست بزنند. قطر عضو مهم اوپک نیز محسوب می‌شود و ارتقا در روابط دوجانبه با این کشور می‌تواند پیامی برای دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس و به‌ویژه امارات و بحرین باشد تا به توهم‌های ناشی از القانات گذشته پایان داده و پی‌گیر روابط استراتژیک با ایران باشند (یادداشت سیاسی روزنامه خرداد، ۱۳۷۸).

۴-۷. بسط همکاری‌های منطقه‌ای قطر با ایران در سایه سیاست عادی‌سازی

قطر علی‌رغم فشارهای مکرر آمریکا برای منزوی کردن ایران و خواست‌های واشنگتن برای قطع رابطه با ایران آن را رد کرده و عقیده دارد که مصالح این کشور ایجاب می‌کند تا بهترین رابط ممکن با ایران را برقرار نموده و در جهت حفظ و تداوم آن کوشش‌های لازم به‌عمل آورد. قطر حتی در بسیاری موارد خواهان برداشته شدن تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا بوده است، همچنین رهبران قطر براین نکته واقفند در صورتی که سرزمین‌شان از ناحیه یک دولت خارجی قدرتمند مورد تهاجم قرار گیرد به‌تنهایی قادر به دفاع از خود نمی‌باشند. آنها به وضوح پی برده‌اند که امنیت قطر بستگی به ثبات کلی منطقه وسیعی که خطر در آن محصور است داشته و بهترین شکل ثبات حفظ موازنه قدرت میان دو همسایه قدرتمند قطر یعنی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی است. بنابراین گسترش و بسط همکاری با ایران می‌تواند تامین‌کننده منافع قطر در منطقه باشد (روزنامه سلام، ۱۳۷۸).

نتیجه‌گیری

قرار گرفتن دو کشور جمهوری اسلامی ایران و قطر در منطقه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک

خلیج فارس موجب گردیده است تا تعاملات و مناسبات این دو کشور همسایه با پیروزی انقلاب اسلامی تحت تاثیر مولفه‌های متعددی قرار گیرد. همین امر باعث فرازوفرودهایی در روابط و تعاملات سیاسی دو کشور شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با تبلیغات محافل رسانه‌ای غربی مبنی بر خطر صدور انقلاب گسترش دامنه جنگ و اینکه ایران تهدید علیه همسایگان است بر روابط دو کشور تاثیر منفی گذاشت؛ اما اقدامات ایران از تیرگی هرچه بیشتر روابط جلوگیری کرد، به نحوی که روابط سیاسی که به پایین‌ترین سطح خود پس از انقلاب رسیده بود مجدداً بهبود پیدا کرد. با وقوع جنگ عراق علیه ایران و حمایت‌های مالی و نظامی فراوان قطر به دولت عراق در قالب سازمان شورای همکاری‌های خلیج فارس نیز به تیرگی و تحدید روابط دو کشور منجر شد؛ اما پس از قبول قطعنامه صلح ۵۹۸ توسط ایران، روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی شد و مجدداً مبادله سفیر آغاز گشت. حمله عراق به کویت نیز موجب گرم‌تر شدن روابط و مناسبات کشورهای منطقه از جمله قطر با ایران گردید. اما حضور بازیگران فرامنطقه‌ای مثل ایالات متحده آمریکا و ایجاد پایگاه‌های متعدد نظامی در قطر و حضور رژیم اسرائیل در منطقه و ارتباط با دولت قطر و نیز تضاد دیدگاه دو کشور نسبت به صلح و ثبات و امنیت منطقه گرمای روابط این دو دولت را متأثر از خود کرد، از منظر دولت قطر امنیت منطقه با حضور قدرت‌های بزرگی مانند ایالات متحده تامین و تضمین می‌شود؛ درحالی‌که از منظر دولت ایران امنیت منطقه بایستی بدون حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای تامین شود. اتخاذ سیاست تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز از سوی ایران که به‌نوعی از اواخر دوران سازندگی شروع و با روی کار آمدن آقای سید محمد خاتمی به اوج خود رسید، با موفقیت نسبی توانست اعتماد از دست‌رفته کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را دوباره بازگرداند و منجر به توسعه روابط شود. همچنین قرار گرفتن بزرگترین میدان گازی مستقل جهان یعنی پارس جنوبی در مرز دو کشور، تعاملات و مناسبات راستین دو کشور را با یکدیگر رقم زده است. شاید تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده آمریکا علیه ایران، وجود تنش‌های سیاسی منطقه‌ای و نوع قراردادهای جمهوری اسلامی ایران با شرکت‌های

خارجی یعنی شیوه بیع متقابل و پرهزینه بودن آن، باعث پیشی گرفتن کشور کوچک قطر در امر توسعه و بهره‌برداری از میدان گازی پارس جنوبی (حوزه شمال قطر) شده باشد.

فهرست منابع:

۱. احتشامی، انوشیروان. (۱۳۷۸)، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، اقتصاد، دفاع، امنیت، ترجمه: ابراهیم منقی و زهره پوستین چی، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. ازغندی، علیرضا. (۱۳۸۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: قومس.
۳. حسن‌بیکی، ابوالفضل. (۱۳۷۸)، نفت و بای یک و منافع ملی (بسیج متقابل در توسعه میادین نفت و گاز و تاثیر آن بر امنیت ملی منافع ملی، چاپ اول، تهران: آوای نور.
۴. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۸۳)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای (۲۰۰۱-۱۹۹۱)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۵. جعفری‌ولدانی، اصغر. (۱۳۸۱)، ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، چاپ اول، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۶. رضائی، روح‌الله. (۱۳۸۴)، چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، چاپ چهارم، تهران: نی.
۷. روشن‌دل، جلیل. (۱۳۷۷)، هدف‌ها و پیامدهای پیمان استراتژیک ترکیه و اسرائیل، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۸. علوی، حسن. (۱۳۷۴)، کتاب سبز قطر، چاپ اول، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
۹. فرامرزی، احمد. (۱۳۸۱)، تاریخ و جغرافیای خلیج فارس «۵» قطر، چاپ اول، تهران: دستان، ۱۳۸۱.
۱۰. قوام، سیدعبدالعلی. (۱۳۸۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل (با اضافات)، چاپ هفتم، تهران: سمت.
۱۱. دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۵)، اصول سیاست خارجی ایران، چاپ اول، تهران: سمت.
۱۲. محمدی، منوچهر. (۱۳۸۰)، اصول و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
۱۳. ازغندی، علیرضا. (۱۳۷۸)، «تنش‌زدایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (۶۸-۷۸)»، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره سوم.
۱۴. انگلدر، دنیس. (۱۳۸۴)، «سیاست ایالات‌متحده و نیاز به امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس: درس‌های تاریخ و تاثیرات آتی»، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس، چاپ اول، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۵. بهجت، جودت. (۱۳۸۱)، «ژئوپلیتیک گاز طبیعی در آسیا»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال هفدهم، شماره ۱۸۳-۱۸۴.
۱۶. «بررسی ذخایر گاز طبیعی در جهان». (۱۳۸۰)، بولتن تحولات بازار گاز، شماره ۳.
۱۷. رضائی، روح‌الله. (۱۳۷۷)، «طلیعه همکاری ایران با اعراب، به سوی سیاست یکپارچه ایالات‌متحده در خاورمیانه»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال دوازدهم، شماره‌های ۱۱ و ۱۲.
۱۸. سیدالسلیم، محمد. (۱۳۸۴)، «امنیت خلیج فارس در دوران پس از جنگ سرد در جستجوی نظمی نوین»، مجموعه مقالات پنجمین سمینار خلیج فارس، چاپ اول، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۹. «گزارش؛ شورای همکاری خلیج فارس». (۱۳۸۴)، ماهنامه خلیج فارس و امنیت، سال ششم، شماره ۶۴.
۲۰. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۴)، «در بحرین چه می‌گذرد»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال نهم، شماره ۸۷-۸۸.
۲۱. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۴)، «دیدگاه‌های ایران در رابطه با دریای خزر، آسیای مرکزی، خلیج فارس و خاورمیانه»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال نهم، شماره‌های ۱۱ و ۱۲.
۲۲. مبصر، داریوش. (۱۳۸۱)، «چشم‌انداز صنعت نفت و گاز ایران»، ماهنامه نفت و گاز و پتروشیمی، سال نهم، شماره هجدهم.
۲۳. «مطالعات تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی انرژی و با تاکید برنفت و گاز». (۱۳۸۱)، بولتن تحولات بازار گاز، شماره ۳۰.
۲۴. پاشنگ، مریم. (۱۳۸۳)، «گام‌های قطر در صنعت نفت و گاز، بازارهای جدید در راهند»، کتابخانه دیجیتالی دید، ۱۲ قابل دسترسی در:

[http:// www. Did. ir/ document/ index. Fa. asp?cn=p00002004.](http://www.Did.ir/document/index.Fa.asp?cn=p00002004)

۲۵. دارمی، سلیمه. (۱۳۸۶)، «اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس»، کتابخانه دیجیتالی دید، ۱۵، قابل دسترسی در:

[http:// www. Did. ir/ document/ index. Fa. asp?cn=p00002007](http://www.Did.ir/document/index.Fa.asp?cn=p00002007)

۲۶. «قطر ۶ برابر ایران از حوزه پارس جنوبی گاز برداشت کرده است». (۱۳۸۴)، شرکت ملی گاز ایران، ۱۹ آذرماه.

۲۷. جزایری، آذر. (۱۳۷۸)، «به دنبال سه سال تاخیر ایران در بهره‌برداری از پارس جنوبی؛ قطر ۴۰ میلیارد دلار بیش از ایران برداشت کرد»، روزنامه سرمایه، ۳۱ اردیبهشت.

۲۸. «یادداشت سیاسی». (۱۳۷۸)، روزنامه سلام، ۲۷ اردیبهشت ماه.

29. Bill, James A. (2005), "The Reconstruction of Iranian foreign policy in the Persian Gulf", Middle East insight, Vol VIII, No4.

30. Behrooz, Mazia. (1990), Trend in the foreign policy Islamic Republic of Iran, 1998, Neither East Nor west, yale university press.

31. Bill, James A.(1996), "The Recounstruction of Iranian foreign policy in the Persian Gulf", Middle East in Sight, Vol VIII, No4.

32. Cordesman, Anthony. (1997), Bahrian , Oman, Qatar and UAE : challenges of Security , west view press.

33. Ramazani, R. K. (1990), Revolutionary Iran : Challenge and Response in the Middle East, The John Hopkins university press.

تأثیر دیپلماسی زیست‌محیطی بر سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15601986.1399.27.1.4.6

فاطمه‌السادات معلومی* سعید ساطعی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

چکیده

دیپلماسی زیست‌محیطی از اشکال دیپلماسی نوین و تخصصی با الهام از مفهوم دیپلماسی چندجانبه می‌باشد که به عرصه رقابت دیپلمات‌های متخصص تبدیل شده است. همچنین نمود خود را در مذاکرات، تکوین کنوانسیون‌ها و رژیم‌های حقوقی بین‌المللی و در عرصه سیاست‌گذاری نشان می‌دهد؛ بنابراین وضعیت زیست‌محیطی کشورها و تغییرات آن یکی از مسایل مهم عصر جدید است. اوایل دهه ۱۳۵۰، آغاز تمایل جدی ایران برای ایجاد محیط زیستی سالم بود. لذا برخی اصول در قانون اساسی لحاظ گردید که سبب ترکیب برنامه‌های زیست‌محیطی با برنامه‌های جاری توسعه شد. دولت یازدهم نیز در عرصه بین‌المللی و دیپلماسی محیط زیست دستاوردهای چشمگیری داشت. حال سوال این است که تأثیر دیپلماسی زیست‌محیطی بر سیاست‌های داخلی و بین‌المللی در نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دیپلماسی زیست‌محیطی به واسطه وجود بازیگران متعدد در عرصه نظام بین‌الملل و گره خوردن آن با موضوعات سیاسی، اقتصادی و امنیتی اهمیت بیشتری یافته است. دیپلماسی به عنوان یک ابزار کاربردی و تسهیل‌گر در روابط بین‌الملل مطرح می‌شود که هدف غایی آن صلح است. چالش‌ها و بحران‌های وسیعی سپهر اقلیم ایران را فراگرفته است؛ اما برخی پیشران‌ها می‌تواند آینده زیست‌محیطی کشورمان را در صحنه ملی و بین‌المللی بهبود بخشد. دیپلماسی زیست‌محیطی عرصه مناسبی برای رفع مخاطرات زیست‌محیطی کشورها می‌باشد که با اتخاذ سیاست‌های درست می‌توان به وضعیت محیط‌زیست کشورها سروسامان داد.

واژگان کلیدی: محیط زیست، سیاست خارجی، دیپلماسی زیست‌محیطی، چالش‌های زیست‌محیطی، جمهوری اسلامی ایران.

* mehrak_maloomi@yahoo.com

** دکتری روابط بین‌الملل، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران.